

داریوش افراسیابی

ساسانیان

... بر طبق روایات پروفسور ادوارد براون (باربد برای بزم خسرو و ۳۶۰ دستان ساخته بود، چنانکه هر روز دستان نو می‌نواخت که با روزهای سال تناسب و ارتباط داشته‌اند).

و دیگر از موسیقی‌دان‌های نامدار عصر ساسانی، بامشاد یا بامداد بوده است.

فرهنگ رشیدی نقل می‌کند: بامداد چنان می‌نواخت و می‌خواند که همه کس را شاد می‌کرد. کریستن سن در کتاب تمدن ایران به موسیقیدان دیگری به نام سرکش اشاره می‌کند، که ریاست نوازندگان را داشته و فردوسی در اشاره به همین موسیقیدان سروده است:

یکی مطربی بود سرکش نام

به رامشگری در شده شادکام

سازهای متداول عصر ساسانیان

***** **«سازهای کوبه‌ای» (آلات موسیقی ضربی)**

۱- آینه پیل: لوحه فلزی به شکلهای متفاوت (سنج بزرگ)

۲- تبیره: نوعی طبل و دهل

۳- جرس: از مس یا آهن بشکل مخروط ناقص با حجم‌های مختلف

۴- جلاجل: زنگوله‌های کوچکی است که بر نوار نصب می‌کنند و رقصنده بر دستها و پاهای خود می‌بندد.

۵- چغانه: ساختمان ساز از محفظه‌ای گرد یا بیضی شکل از جنس چوب یا کدو تشکیل می‌شده است.

۶- چلب: بر وزن حلب، از خانواده سنج است.

۷- خلخال: بمانند جلاجل است.

۸- درا یا درای: مانند ناقوس بوده است.

۹- دنه: نوعی طبل است.

۱۰- طبل

۱۱- کوس: درشت جثه و از یک کاسه بزرگ از جنس مس که بر دهانه آن پوست کشیده اند.

۱۲- ناقوس: زنگ بزرگ

* سازهای بادی (آلات موسیقی‌ای که از دمیدن در آن صدا ایجاد می‌شود)

۱- ارغن: (ارغون) نی مضاعفی است و دارای لوله صوتی ثابت که ۳۲ سانتیمتر درازا دارد.

۲- شاخ لیج: تشکیل شده از استوانه‌ای از جنس شاخ که فقط دو سوراخ دارد و از راس نای در آن دمیده می‌شود.

۳- موسیقار: از رده ارغنون دهنی یا ساز دهنی از تعدادی نای‌های مختلف القامت که در جوار یکدیگر کار گذاشته باشند تشکیل شده است.

۴- نای روبین: آن نائی است که از روی می‌ساخته‌اند.

۵- نقیر: نوعی بوق است که از شاخ حیوانات و یا از فلز می‌ساخته‌اند.

۶- ارغنون: نوع ابتدائی این ساز نای انبان است و تکامل یافته‌اش نای انبان نام دارد.

* سازهای زهی (آلات موسیقی‌ای که بوسیله انگشتان یا زخمه بصدا درمی‌آیند)

۱- بریط یا عود: در برهان قاطع قید شده است که بریط بفتح اول و سکون ثانی (نام سازبست مشهور و بعضی گویند بریط ساز عود است و آن طنبورمانندی باشد کاسه بزرگ ودست کوتاه) کاسه صوتی آن شبیه نیمه گلایی است که از درازا به دو نیم شده در ابتدا دارای سه سیم بود بنامهای (زیر-میانی-بم).

۲- چنگ

۳- رباب: بر وزن کباب: معمولا ۲ تار داشته است یکی زیر و دیگری بم.

۴- سنتور

۵- شببشم از خانواده چیچک

۶- طنبور: سازبست که قطر دسته آن از سه تار بزرگتر و طولیتر و نیز کاسه صوتی آن دارای حجم بزرگتری است و دارای دو رشته سیم می‌باشد. بهمین مناسبت به آن دو تار نیز می‌گویند.

۷- لیبیا یا لبینا: این ساز به نوعی چنگ شباهت دارد و دارای هشت سیم است و بظاهر با سر انگشتان نوازنده نواخته می‌شده است.

اشعار متداول عصر ساسانیان

از شعر دوره ساساتی، ابیاتی موجود است که در بحر هشت هجائی بنظم کشیده شده و آن ابیات به زبان پهلوی چنین است:

کی چیداغی اندری
چینی که دستی نیوی است
هان پاژی پداین درکی
یو نها اذی و تیری
او هان چیداغی ایواستی
پس کی تیری اوهان چیداغ
او گندری اوی دستی نیو

یعنی مردی که، او این بنا به طرف مغرب بنا کرده و دستش نیکوست، پا در این دره نهاد و تیر به جانب این بنا انداخت، پس مردی که تیر به جانب این بنا انداخت دستش نیکوست.

شکی نیست که اشعار غیر مذهبی زمان ساسانیان، که اثری از آن به جای نمانده، در همین بحور گفته می‌شده است و این بحرها با نثر تفاوتی نداشتند مگر آنکه، اعداد هجاء معین بوده است و از این جهت نیز در «برهان قاطع» راجع به نوای خسروانی که از سروده های باربد بوده گفته شده است که نثری بوده مسجع. در عهد باستان رسم بر این بوده است که شعرا یا موسیقیدانانی که در دربارها و خدمت سلاطین بودند و هر کدام که خود آوازی خوش داشتند، اشعار را با آواز و به همراهی آلات موسیقی می‌خوانده‌اند مانند: رودکی و فرخی، و بنظر می‌رسد که در دوران ساسانیان سرودن شعر و اجرای موسیقی وظیفه یک نفر بوده و هر که استعداد موسیقی داشته به سرودن شعر نیز می‌پرداخته و هر کس سرودن شعر می‌دانسته، موسیقی را نیز فرا می‌گرفته است.

چنانکه شعر الحان خسروانی که جملگی در ستایش و آفرین خسرو پرویز بوده‌اند، همه را باربد ساخته است، و می‌توان دریافت که شعر و موسیقی با هم پیوند دیرینه‌ای داشته و بهم وابسته بوده‌اند، و همچنان تاییدی است بر شاعر بودن باربد.

از نظر مکاتب فلسفی و مذهبی، زمان ساسانیان، دوران پرباری بوده است. مانی در آغاز سلسله ساسانیان ظهور می‌کند. و دینی را عرضه می‌کند که مانند ادیان قبلی بجز دستورهای زندگی و مذهبی، آمیخته به سرودهای گوناگون بوده و با آوای خوش خوانده می‌شده‌اند.

پروفسور هنینگ تالیف ۹ کتاب را به مانی نسبت می‌دهد، که از جمله ادعیه و اوراد اوست یا (آفرین سر) که یک دوره سرودهایی است که منتسب به مانی است.

تعلیمیات دینی مانی، با ساز و آواز خوش همراه بوده است و سماع از لازمه محافل مذهبی مانویان به شمار می‌رفته است. مذهب مانی در آسیای صغیر و مصر و شمال آفریقا، و جنوب فرانسه اشاعه یافت. و همچنین در شمال و مشرق ایران و آسیای مرکزی انتشار کامل یافت. از راه این مذهب، نقاشی و ساز و آواز ایرانی، که خود در برگیرنده شعر نیز بود به دورترین نواحی چین نیز انتقال یافت.

پس از دین زرتشت و مانی، دین مزدک نیز اهمیت ویژه‌ای به موسیقی داده است. تأثیر روانی سرود به

همراهی موسیقی نیز بر مزدک پوشیده نبوده و او از این هنر در جهت ترویج دین خود استفاده می‌کرده است. خدای مزدک بیشتر شبیه پادشاه ساسانی است، که چهار قوه تمیز، فهم، حفظ، سرود در خدمت وی بودند، و از دوازده تن روحانی که هفت وزیر نیز در کنار آنان دیده می‌شدند نخستین نفر خواننده بشمار می‌رفته است.
مدین سان در بین مکاتب فلسفی و مذهبی، مزدک پس از فیثاغورثیان والاترین پایگاه را برای موسیقی قائل شده است، تا آنجا که خواننده، یکی از دوازده تن روحانی بزرگ بشمار می‌رفته، و سرود یکی از چهار وزیر بزرگ خداوند است.

موسیقی ایرانی از نگاهی دیگر

وابستگی شعر و موسیقی در ایران و بافت اجتماعی این هنرها بهم، بیانگر آنست که دوره‌ای که از نظر انشعاب تجانس هنر ابتدائی باید طی می‌شد، در مقاطع مختلف تاریخی بنا به عواملی انجام نپذیرد، و هنرها تا اوائل قرن بیستم، آنهم نه بصورت کامل و مستقل در زمینه موسیقی، نقاشی، رقص و مجسمه سازی باقی ماندند و شاید در چند دهه گذشته باشد که سعی در معرفی و شناساندن جنبه‌های متفاوت هنرهای فوق آنهم بصورت پایه‌ای شده باشد.

از نظر روند تکاملی هنر، برخلاف جوامع اروپائی دچار رکود و وقفه شدید، و تکاملی را که باید بصورت طبیعی تداوم می‌یافت بنا به علل تاریخی و اجتماعی فاقد بودیم، لذا به بررسی وابستگی شعر و موسیقی، و علل و عواملی که باعث عدم تکامل موسیقی، بصورت مستقل در زمینه‌های مختلف مانند قطعات موسیقی سازی و تنوع ریتم‌های متفاوت (که طبیعتا سرعت و یا آهسته بودن ریتم، ریشه در شتاب و یا کند بودن ساختار زندگی اجتماعی دارد) و عدم تکامل رشته‌های مختلف آواز (کر، یا هم آوائی و قطعات موسیقی آوازی مدون) مانند اپرا شده‌اند می‌پردازیم.

حرکات موزون انسان ابتدائی دو شکل متفاوت داشت: جنبه حرکتی و جنبه صوتی.

شکل حرکتی بوجود آورنده رقص شد و جنبه صوتی، موسیقی را به بار آورد، و صدای برخورد اشیاء با یکدیگر بوجود آورنده آلات موسیقی گردید. پس از آنکه انسان توانست تا اندازه‌ای بر محیط خود و قوانین آن دست یابد، ناچارأ هنرها از یکدیگر دور گردیدند، و با تجزیه شئون متفاوت جامعه هر یک به راهی مستقل رفتند. از یک سو نقاشی و مجسمه سازی از موسیقی و رقص جدا شدند، از سویی دیگر رقص از موسیقی تفکیک شد و مقدمات جدائی و تکامل موسیقی سازی از موسیقی آوازی نیز فراهم گردید.

موسیقی ابتدائی شامل دو وجه بود. صورت یا برونه و محتوا یا درونه. صورت یا برونه آن، موسیقی (صوت) شد و درونه یا محتوای آن ترانه. به عبارت دیگر با روند تکامل جامعه و تفکیک کار، محتوا از صورت جدایی یافت و شعر مستقل پا به عرصه وجود گذاشت.

و می‌توان شعر را چنین تعریف کرد: بیان اندیشه، به صورت تصاویر لفظی، یعنی بازنمایی عینی و حسی اندیشه به وسیله تصاویر لفظی ودر مقابل شعر، موسیقی هم بیان اندیشه و هم بیان احساس است به وسیله تصاویر صوتی ذهنی.

شعر و موسیقی، پس از راهیابی انسان به مراحل تخصصی رشته‌های گوناگون، نسبتا مستقل شدند و هر کدام بعنوان زمینه‌های متفاوت هنری در خدمت هنری طبقات خاص خود بودند.

نخستین متون کهن در زمینه ادبیات باستانی ایران مینی بر تلفیق شعر و موسیقی گاتها سرودهای زرتشت می‌باشند که از گزند حوادث مصون مانده و همانگونه که سروده شده‌اند بجای مانده است. واژه گات به معنای سرود است و گاتها از کهن‌ترین بخشهای اوستا می‌باشند. گاتها دارای ۱۷ بخش یا (هات) است که در یسنا که مشتمل بر ۷۲ بخش می‌باشد آمده است. گاتها دارای پنج قسمت با پنج فرنام (تَبتر) است. نام هر بخش گاتها از نخستین واژه بند یکم هر (هات) برداشت شده است.

گاتها با در برداشتن اندیشه‌های زیبا و معنوی و رهنمودهای منش ساز، یکی از گرانبهاترین نمودهای فرهنگ جهانی است.

موسیقی گات‌ها

گاتها با آهنگی ویژه و بس روح نواز سروده شده که پس از گذشت نزدیک ۵۵۰۰ سال خوشبختانه همان‌گونه که سروده شده‌اند بجای مانده است.

«جان -و-درپیر» استاد انگلیسی دانشگاه ویرجینیای شمالی آمریکا حدودا ۲۵ سال تلاش نمود تا بتواند نشانه‌ای که دال بر اصالت و دست نخوردگی سرودهای زرتشت باشد بدست بیاورد تا به موسیقی و لحن‌های گاتها دست یابد و سرانجام در هندوستان، در یکی از دورافتاده‌ترین روستای هند بنام (اودوادا) آتشکده‌ای یافت و در این محل بود که درپیر توانست به منبع دست نخورده‌ای از موسیقی گاتها و سرودهای زرتشت روبرو شود، و پس از تهیه نوار از این آوازاها دو تن از استادان مدرسه موسیقی ویرجینیا، درباره این نوار چنین ابراز نظر کردند: بیشتر سرودها به صورت تک خوانی است و مبتنی بر یک نمونه ساختمان هجایی ساده است، یعنی یک صدا (نت) برابر یک هجا (سیلاب). ولی طول یا کشش صداها و کمیت مصوتها در متن غالبا یکسان نیست، و دانگ نغمات بسیار محدود و بیشتر در مقامهای بزرگ ساخته شده‌اند. و تنور می‌باشد و در سراسر آخر جملات (Tenor) نوع صدا از لحاظ درجه‌بندی اصوات صدای موسیقی، تکرار می‌شود.

درپیر می‌نویسد: (از آنجا که پیشینه آداب و رسوم مذهبی پارسی لاقبل به دوره ساسانیان می‌رسد، و بخش بزرگی از آن نیز مانده از زمانهای کهن تر است می‌توان چنین استنباط کرد، که سبکهای موسیقی گاتها و بشته نیز به همان قدمت است... گفته شده است در طی سه هزار سال گذشته ترتیلهها (قواعد آوازی) وداهای هندی اندکی بیش تغییر نکرده است. بنابراین سرودهایی که امروزه در آتشکده‌های مشرق زمین خوانده می‌شود، ممکن است یک سبک موسیقی به قدمت ترتیل ودایی باشد که احتمالا، امروز، قدیمی‌ترین موسیقی جهان به شمار می‌آید.

دانشمندان و پژوهندگان علوم اجتماعی بر این نظر هستند که آهنگهای گاتها سروده‌های زرتشت که در آتشکده های مشرق زمین خوانده می‌شود، از بسیاری جهات وابسته به همان سرودهای عهد باستان می‌باشد.

زبان گات‌ها

گاتها به زبان اوستائی سرود شده‌اند که ریشه فارسی کنونی است. زبان اوستائی از خانواده زبانهای هند و اروپائی است و با زبانهای دیگر هند و اروپائی همانندیهای بسیار دارد. گاتها نمونه بسیار زیبایی از تلفیق شعر و موسیقی در این سرزمین کهنسال است که حدودا ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح سروده شده‌اند. گاتها همچنانکه با وزن و آهنگ سروده شده‌اند، با آهنگ و گاه نیز خوانده می‌شده و برای نمونه ترجمه‌ای از سرودهای زرتشت را که از کهن‌ترین میراث هنری فرهنگ بشریست نقل می‌شود:

«ای مردم بهترین سخنان را بگوش هوش بشنوید و با اندیشه روشن و ژرف بینی آنها را بررسی کنید، هر مرد و زن راه نیک و بد را شخصا برگزیند پیش از فرا رسیدن روز واپسین همه بپا خیزید و در گسترش آئین راستی بکوشید.»

«خشم و نفرت را از خود دور کنید و اجازه ندهید اندیشه‌هایتان به خشونت و ستم گرایش پیدا کند. به منش پاک و مهر و محبت دلبستگی نشان دهید، رادمردان پاک سرشت برای گسترش راستی و درستی پیوند استوار خواهند ساخت و هواخواهان حقیقت را به سوی بهشت، جایگاه تو ای اهورا که منزلگه «راستان و پاکان» است رهبری خواهند کرد.»

نمونه‌ای یک سرود زرتشتی:

یسنای ۴۷ نخستین گات از گاتهای سپنتا مائینیو و بر طبق روایت پروفسور درپیر: نوای این یسنا وزنی سنگین و فراخ دارد. یسنا بخشی از اوستا، که قسمت اعظم آن را گات‌ها تشکیل می‌دهند.

*** سری مقالاتی که در مورد موسیقی از نظر تان می‌گذرد از کتاب موسیقی ایرانی از نگاهی دیگر، نوشته داریوش افراسیابی است.**

www.DAFRASIABI.com

IRANSTAR

منبع: ایران استار

www.IranStar.com

14 TORONTO'S WEEKLY NEWS AND ENTERTAINMENT